



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

استبداد

شناسنامه مطلب	
b-265-3	کد مطلب
بصیرتی / مباحث آموزشی / گام اول: اطلاعات سیاسی / مقدماتی	رده
استبداد، مطلقه، حاکمیت، پدرسالاری	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

صهیونیسم

صهیونیسم جنبش سیاسی طرفدار بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و ایجاد کشور اسرائیل است. این جنبش در اواخر قرن نوزدهم توسط تئودور هرتسل^۱ بنیان نهاده شد و توانست با همکاری قدرت‌های جهانی، در سال ۱۹۴۸م کشور اسرائیل را تأسیس کند. صهیونیست‌ها با وجود این که حدود ۵ درصد از زمین‌های فلسطینیان را خریده بودند، در زمان اعلام موجودیت ۷۷ درصد از اراضی فلسطین را به تصرف خود درآوردند. علما و مراجع تقلید شیعه در دوران‌های مختلف بر علیه صهیونیسم و اشغال فلسطین موضع گرفته‌اند.

تاریخچه

صهیونیسم، جنبشی سیاسی که تئودور هرتسل آن را بنیان نهاد.^۲ از این رو هرتسل را پدر صهیونیسم دانسته‌اند.^۳ او در سال ۱۸۹۵م در کتاب «دولت یهودی»، ایده تأسیس یک کشور مخصوص یهودیان را مطرح و در سال ۱۸۹۷م اندیشمندان و ثروتمندان یهودی را در شهر بال سوئیس گرد هم جمع کرد و از آن‌ها خواست از ایده صهیونیسم حمایت کنند.

هرتسل هدف کنگره را گذاشتن سنگ بنای میهن یهود اعلام کرد.^۴ این کنفرانس، زمینه فکری پیدایش یک دولت یهودی را فراهم کرد. پس از کنفرانس ۱۸۹۷م تا سال ۱۹۰۵م، پنج کنفرانس صهیونیسم یهودی دیگر برگزار شد.

اعلامیه بالفور

آرتور جیمز بالفور به عنوان وزیر امور خارجه بریتانیا در نوامبر ۱۹۱۷م نامه‌ای نوشت و در آن برای یهودیان داشتن یک وطن ملی در فلسطین را به رسمیت شناخت.^۵ این نامه خطاب به ادموند روچیلد^۶ نوشته شده بود.

^۱ - هرتسل دکترای حقوق از دانشگاه وین داشت و پس از مدتی وکالت به امر روزنامه‌نگاری پرداخت. (دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، ۱۳۹۱ش، ص ۴۵). هرتسل در سال ۱۹۰۴م فوت و در وین دفن شد؛ اما در سال ۱۹۴۹م و پس از اعلام موجودیت اسرائیل، به قبری در قدس اشغالی انتقال یافت. (فعالان سیاسی صهیونیست، ۱۳۸۹ش، ص ۲۶۱).

^۲ - دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، ۱۳۹۱ش، ص ۴۵.

^۳ - شیروودی، «مبانی سیاسی - اجتماعی صهیونیسم»، ص ۱۲.

^۴ - فعالان سیاسی صهیونیست، ۱۳۸۹ش، ص ۲۵۷.

^۵ - سلطانشاهی، «صد سالگی اعلامیه بالفور»، ص ۲۸۱-۲۸۲.

^۶ - روچیلد از ثروتمندان بریتانیا بود که از راه صرافانی و بانکداری به ثروت رسید. او حمایت‌های بسیاری از اسرائیل انجام داد و به «پدر اسکان یهودیان در فلسطین» مشهور شد. روچیلد گفته بود: «بدون من صهیونیست‌ها هیچ کاری نمی‌توانستند انجام دهند».

انگلستان براساس بیانیه بالفور موافقت خود را بر تأسیس یک حکومت مستقل یهودی در خاک فلسطین اعلام نمود. این اعلامیه اولین گام عملی برای تشکیل رژیم صهیونیستی بود.

تأسیس اسرائیل

در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷م گروه‌های صهیونیستی طرح تقسیم فلسطین را در سازمان ملل به تصویب رساندند. و در سال بعد یعنی ۱۹۴۸م برابر با ۱۳۲۷ش دولت اسرائیل اعلام موجودیت کرد. یهودیان در حالی که تنها حدود پنج درصد از زمین‌های فلسطین را خریداری کرده بودند،^۱ در زمان اعلام موجودیت ۷۷ درصد از سرزمین‌های فلسطینی را به تصرف خود در آوردند.

تفکر صهیونیسم

صهیون نام کوهی در بیت المقدس است که در قرن دهم قبل از میلاد به تصرف حضرت داوود درآمد. این کوه آرامگاه حضرت داوود و جایگاه حضرت سلیمان بوده و برای یهود سمبل رهایی از ظلم است.

صهیونیسم عنوان جنبشی است که طرفدار بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و ایجاد کشور خاص است. این تفکر به دنبال گردآوری مجدد یهودیان در قالب ملتی واحد است. محققان جنبش صهیونیسم را حرکتی غربی دانسته‌اند؛ این اندیشه در غرب به وجود آمد و سرمایه، سلاح و حتی اعتبار خود را توسط افراد و کشورهای غربی به دست آورده است.

مارتین بورمن^۲ در این باره می‌گوید:

«هنگامی که ما به فلسطین رفتیم، سؤال این بود که آیا در آنجا می‌خواهیم دوست و برادر باشیم و یا نماینده استعمار؟ اکثر صهیونیست‌ها ترجیح دادند از هیتلر بیاموزند تا از یهودیت... هیتلر می‌خواست نشان دهد اگر ملتی به قدر کافی قدرتمند است، می‌تواند بی‌رحمانه بکشد... از ابتدا لازم بود که ما با چنین برداشتی از تاریخ می‌جنگیدیم...»

محققان معتقدند جریان صهیونیسم حداقل در شروع، نه در ظاهر و نه در باطن خود شکل یک نهضت دینی را نداشت. شاکله اصلی جریان صهیونیستی را در آغاز، تفکرات سیاسی تشکیل می‌دادند که مستقیماً تحت تاثیر تحولات فکری اروپا قرار داشتند. با این حال، بخشی از خواسته‌های یهودیان را بیان کردند که در اروپا مخاطبین خود را داشت.

^۱ - السهلی، فلسطین، ۲۰۰۴م، ص ۸.

^۲ - پروفیسور مارتین بورمن، یهودی سرشناس مخالف صهیونیسم.

گروه‌ها

بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل معتقد بود تفکر و اعتقاد بازگشت به کوه صهیون نقطه اتصال همه یهودیان خواهد بود و این معیار، همه یهودیان حتی یهودیان بی‌دین را نیز شامل می‌شود. این معیار سبب رشد صهیونیست در میان یهودیانی با افکار و فرهنگ‌های مختلف شد. در کنار گروه‌های مذهبی، صهیونیسم لائیک نیز شکل گرفت که با تکیه بر استدلال‌های تاریخی - سیاسی به اسکان یهودیان در فلسطین مشروعیت می‌بخشید. علاوه بر این امروزه پدیده صهیونیسم مسیحی نیز وجود دارد.

مسیحیان صهیونیزم

گروهی از مسیحیان طرفدار اسرائیل وجود دارند که حمایت از اسرائیل را یک امر سیاسی یا اقتصادی نمی‌دانند؛ بلکه این حمایت را امری عبادی قلمداد می‌کنند. مسیحیان صهیونیسم معتقدند که سرانجام پس از فراگیر شدن ظلم و ستم در جهان، جنگ آرماگدون در فلسطین امروزی شکل می‌گیرد. جنگی که در آن، دو سوم قوم یهود کشته می‌شوند و پس از آن، مسیح نزول کرده و یک سوم باقی مانده قوم یهود یا به کیش مسیحیت گرویده یا توسط حضرت مسیح کشته می‌شوند.

علمای شیعه و مخالفت با صهیونیسم

گروه‌های بسیاری از یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به مخالفت با صهیونیسم پرداخته‌اند. علماء و مراجع تقلید شیعه نیز با ظلم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی و در نهایت تأسیس اسرائیل مخالفت کرده‌اند:

- شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم در دی ۱۳۱۲ش در نامه‌ای به پادشاه از او می‌خواهد در مورد هجوم یهودیان به فلسطین و بیت المقدس عکس‌العملی داشته باشد تا غائله مرتفع گردد.
- آیت الله بروجردی در خرداد ۱۳۲۷ش یک ماه پس از تأسیس اسرائیل بیانیه‌ای صادر کرد و در آن علیه صهیونیست‌هایی که در فلسطین بر مردم ظلم می‌کنند، موضع گرفت.
- سید محسن حکیم در سال ۱۹۴۸م نامه‌ای به سازمان ملل متحد نوشت و در آن از عملکرد سازمان ملل در تأیید کشور اسرائیل اعلام انزجار کرد. او مسلمانان و دولت‌های سرزمین‌های اسلامی را به وحدت و فراموشی اختلافات در مقابل اسرائیل، دعوت کرد.

- امام خمینی پیش از انقلاب اسلامی ایران و پس از آن موضع‌گیری‌های بسیاری علیه صهیونیسم و اسرائیل داشت. امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲ش و در سخنرانی معروف خود در روز عاشورا، علیه اسرائیل موضع‌گیری کرد و شاه را در همراه بودن با آنان مورد مذمت قرار داد

نامه امام خمینی در اردیبهشت ۱۳۴۲ش:

«خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیره سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره‌گیری همه چیز را از دست خواهیم داد».^۱

- امام خامنه‌ای نیز پا در جای پای امام خمینی گذاشتند و سخنان بسیاری را در این باره ایراد نموده‌اند، ایشان درباره فلسطین و اسرائیل می‌فرمایند:

«امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیّه نکرد؛ اینکه رژیم صهیونیستی یک غده‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است».^۲

«صریح می‌گوئیم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است».^۳

^۱ - صحیفه امام، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۸۵.

^۲ - (۱۴/۰۶/۱۳۹۲)

^۳ - (۱۴/۱۱/۱۳۹۰)